



آنگاه پدر فهمید که در همان ساعت عیسی گفته بود: «پسر تو زنده است.» پس او و تمام اهل خانه او ایمان آوردند. یوحنا ۴: ۵۳



آیات امروز توضیح می‌دهد که عیسی پس از پایان خدماتش در سامره عازم جلیل شد (یوحنا ۴: ۴۳). یوحنا بلافاصله پس از ارائه گزارشی در مورد عزیمت مسیح به جلیل، پرانتری باز می‌کند و در مورد اینکه عیسی در زادگاه خود هیچ احترامی نداشت صحبت می‌کند که البته در بیانی دقیق‌تر می‌توان زادگاه را کشور نیز ترجمه کرد (۴: ۴۴). این گفته یوحنا بسیاری از مفسران را متحیر کرده است چون در نقطه مقابل بیان می‌کند که عیسی در جلیل مورد استقبال قرار گرفت (۴: ۴۵). جلیل یکی از استان‌های کشورش بود و ناصره، همان شهری که در آن بزرگ شده بود در آن قرار داشت. همچنین هنگامی که عیسی در جلیل خدمت می‌کرد، جمعیت زیادی دنبال او به راه افتاده بودند (متی ۴: ۲۳ – ۲۵).

پس منظور عیسی از «پذیرفته نشدن در وطنش» چه بود؟ اولاً، همه مردم جلیل از خداوند ما استقبال نکردند. مثلاً در زادگاهش ناصره، افراد بسیاری او را رد کردند (متی ۱۳: ۵۳ – ۵۸). دوماً، نشانه‌هایی مبنی بر این وجود دارد که حتی کسانی که گویی از عیسی استقبال می‌کردند واقعاً پذیرای او نبودند. پیش‌تر مشاهده کرده‌ایم که بسیاری از یهودیان برای دیدن معجزات عیسی به دنبال او بودند نه برای اینکه به او ایمان آورند (یوحنا ۲: ۲۳ – ۲۵). عیسی از سامره، جایی که سامریان به او ایمان آوردند به جلیل رفت؛ به جایی که بسیاری از یهودیان او را رد کردند. بنابراین یوحنا موضوع رد شدن عیسی را بیان می‌کند تا به یهودیان یادآوری کند که وقتی عیسی برای اولین بار به نزدشان آمد اکثر آنها او را رد کردند. دکتر آر. سی. اسپرول در تفسیرش از یوحنا می‌نویسد: «معمولاً افراد زمانی پذیرای عیسی بودند که با نشانه‌ها و معجزات او مواجه می‌شدند در صورتی که برای او به عنوان مسیح موعود احترامی قائل نبودند».

البته این بدان معنا نیست که خداوند از نشانه‌ها و معجزات برای ایجاد و تقویت ایمان افراد استفاده نمی‌کند بلکه بر اساس آیات امروز این کار را انجام داده است. عیسی در جلیل با یک مقام سلطنتی ملاقات کرد که احتمالاً یکی از مشاوران حاکم محلی (هیروдіس تیتراخ) بود. او از مسیح خواهش کرد تا پسرش را که در حال مرگ بود شفا دهد (۴: ۴۶ – ۴۷). در نگاه اول به نظر می‌رسد که عیسی ایمان آوردن این شخص را به واسطه نشانه و معجزه سرزنش می‌کند (۴: ۴۸). البته این موضوع با اظهارات بعدی او مبنی بر برکت گرفتن کسانی که او را در جسم ندیده‌اند ولی

به او ایمان می‌آورند کاملاً همخوانی دارد (یوحنا ۲۰: ۲۹). هیچ ایرادی در این وجود ندارد که از خداوند بخواهیم تا کاری خارق‌العاده برایمان انجام دهد زیرا خودِ خداوند می‌گوید که شفا و سلامتی را از او بطلبیم (یعقوب ۵: ۱۳ - ۱۵). مشکل این است که به عوض ایمان و اعتماد به وعده‌های خداوند، تنها به کارهای خارق‌العاده او علاقه داشته باشیم و یا اینکه معجزات، تنها اساس ایمان ما باشند. این موضوع در مورد این مقام سلطنتی صدق نمی‌کند. او کلام عیسی را مبنی بر بهبودی فرزندش پیش از آنکه او شفا یابد پذیرفت و انجام شدن این معجزه، ایمانی را که در وی وجود داشت تأیید کرد (یوحنا ۴: ۴۹ - ۵۴).

پایه‌های ایمان شما بر چه چیزی قرار دارد؟ نشانه‌ها و معجزات ثبت شده در کتاب مقدس می‌توانند به تقویت ایمان ما کمک کنند اما به خودی خود نمی‌تواند بنیان ایمانمان را تشکیل دهند. در حقیقت بسیاری از مردم معجزات عظیم عیسی را دیدند ولی هرگز به او ایمان نیاوردند. ایمان ما باید به وعده‌های خدا باشد و زمانی که به او اطمینان کنیم، ایمان ما پایدار خواهد ماند.

برای مطالعه بیشتر به این آیات مراجعه کنید «پیدایش ۱۵، عبرانیان ۱۰: ۲۳».

 پدر آسمانی در نام یگانه فرزندت عیسی مسیح به حضورت می‌آیم و تقاضا می‌کنم که از من برای اعلام انجیل به دیگران استفاده کنی. خداوندا با قوت روح مقدست به من حکمت بده تا دائماً وعده‌هایت را در کلام ببینم و در آنها تفکر کنم. پدر، چشمانم را باز کن تا کارهای عظیمی را که در زندگی من انجام دادی مشاهده کنم و با اعتماد و ایمان قوی‌تری در زندگی قدم بردارم. به نام عیسی مسیح آمین!

اقتباسی از لیونر مینیستری (Ligonier Ministry)